

معرفی یک کتاب

در اواخر ماه سپتمبر دوستی از من خواش کرد، تا در نمایش کتاب یک خانم افغان در شهر فرانکفورت اشتراک نمایم. تشویشم از به وقت نرسیدن به تعمیر Haus of Dom که قرار بود در آنجا خانم نادیه قانع کتابش را به نمایش بگذارد، بخاطر کمی فاصله پیاده روی ام از ایستگاه خط ترن تا تالار محفل، خوشبختانه رفع رشد. با رسیدن به سالن برگزاری محفل، نظرم به چند کتابی با تصویر خانم قانع و عنوان من یک آلمانی افغان الاصل هستم افتاد. در آغاز گرداننده محفل در ضمن شناسایی کوتاه خانم قانع به حاضرین، از خانم نرگس اسکندری - گرونبرگ، عضو حزب سبزهای آلمان و پارلمان شهری فرانکفورت، خواهش کرد به سخنرانی اش آغاز کند. خانم اسکندری - گرونبرگ از نادیه گرفتن اشخاص مفید به جامعه چون خانم قانع در شهر فرانکفورت یاد آور شد. او با اشاره به شوق طفولیت خانم قانع - گدی پران بازی - به کتاب مشهور خالد حسینی اشاره کرد. چه بهتر بود از کتاب دیگر این نویسنده هزار آفتاب با شکوه، که در آن رنج و درد زن افغان تبارز یافته است - دردی با تعبیرات مختلف در جامعه بین المللی.

اگر چه من با بخش عمده از زندگی خانم قانع، از طریق مصاحباتش و چند مطلبی در اخبار آلمانی، با خبر بودم. جوابها به سوالات و معرفی چند بخشی از کتاب این خانم افغان مرا با حوادث و خاطرات بیشتر از زندگی اش، که پر از موانع و مشکلات بود، آشنا ساخت. کوشش و پیکار از خواصی بود، که از طفولیت زمانیکه تلاش داخل شدن به اطاق پدر را داشت، پدری که به وی ارزشهای والا معرفی کرده بود، در وجودش بود. بعد از مرگ پدر مهربان، وی به حیث یک دختر جوان احساس مسؤلیت نموده، به مادر بیوه اش تکیه گاه شده، خواهر کوچکش را ترغیب کرد. تغییر عمیق دیگری در زندگی خانم قانع بعد از دوره کوتاه خوشبختی - ازدواج و موفقیت در وظیفه - زمانی رخ داد، که چند افسر اردوی افغانستان، با داشتن روابط با عناصر چپی، نظام سیاسی و اجتماعی کشور را بکلی برهم زدند. تغییرات سیاسی در مملکت وی را، همچون ملیونها افغان دیگر، مجبور به ترک وطن نموده و به دیار نا آشنا رهسپار ساخت.

پیش از یک تفریح کوتاه، یکی از حاضرین محفل پرسید، آیا انسان باید در تمام زندگی اش مبارزه کند؟ خانم قانع در جواب گفت، او استراحت و تفریح را نمیشناسد. و بهترین تفریح برایش یاری کردن اطفالش در راه تعلیم و تربیه و خدمت به مردم محتاج است. شاید موفقیت وی در این بود، که فضیلت هایی چون: وقت شناسی، راستکاری و استقامت - بعضی اوقات این خواص به حیث فضیلت های آلمانی بشمار میروند - را از افغانستان با خود آورده بود. او با اشتیاق از علاقه اش به شناختن همسایگان آلمانی اش در فرانکفورت، از تلاشش برای بدست آوردن مستقلانه مخارج زندگی و مهیا ساختن زمینه تعلیمی به اولادهايش صحبت کرد. او توانست با ایجاد یک مؤسسه مراقبت و پرستاری از اشخاص مسن و معلول نه تنها وضع اقتصادی فامیلش را بهتر بسازد، بلکه زمینه کار را به اشخاصی با مشکلات کار یابی در بازار کار آلمان مهیا کند. خوشبختانه از کوششهای خانم قانع تا حدی در جامعه آلمانی قدردانی شده است: چند جایزه، از آنجمله مهمترین جایزه دولت آلمان به افراد این کشور بخاطر خدمات خاص به جامعه، و شهرت در محفل روشنفکران.

متأسفانه مصروفیت شخصی ام مانع آن شد، تا از خانم قانع بپرسم، چطور توانست با آنهمه مشکلات و دشواریهای زندگی دست و پنجه نرم کند. شاید خواندن کتاب وی به سوال ام جواب دهد.

پایان